

## گونه های شعر کودکان در دیوان الأطفال؛ اثر سلیمان العیسی

سمیه اکبر پور<sup>۱</sup>، اکرم روشنفکر<sup>۲</sup>، صادق عسکری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه سمنان

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه گیلان

<sup>۳</sup> دانشیار دانشگاه سمنان

### چکیده

شعر کودکان در مجموعه ادبیات کودکان گونه‌ای ادبی است که استعداد آن را دارد تا برخوردار از گونه‌های مختلف دیگر به نظم درآید. شاعر کودکان بهره‌مند از فرهیختگی بایسته و مطلع از علایق و روحیات کودک نه تنها از واژگان آسان و عبارت‌هایی روان استفاده می‌کند که نونهال مقصودش را دریابد؛ بلکه واژگانی متناسب با عباراتی مفهوم به‌کار می‌برد تا کودک با فراگیری آن‌ها دایره لغات خویش را وسعت بخشد، به این ترتیب ابیات شعر با هدف آموزش مفاهیم به نظم در می‌آید و ذیل گونه تعلیمی قرار می‌گیرد. سلیمان العیسی اهل سوریه از پایه‌گذاران شعر کودکان در ادبیات عربی شمرده می‌شود. وی دیوانی با عنوان «دیوان الأطفال» دارد که پژوهش حاضر با هدف تعیین گونه‌های به‌کار رفته در شعر وی به روش توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی دیوان الاطفال شاعر برآمده است. مهمترین نتیجه مقاله حاضر وجود اشعاری است که ذیل گونه‌های شعر طبیعت، شعر تعلیمی، شعر اجتماعی، شعر سرگرمی در دیوان الاطفال گرد آمده‌اند.

واژه‌های کلیدی: شعر کودکان، سلیمان العیسی، دیوان الاطفال

## ۱- مقدمه

ادبیات کودکان و نوجوانان مندرج در سن، دور از بلوغ یا دمامد آن، شامل مجموعه آثاری است که بر اساس نیاز، علاقه، توانایی و انگیزه کودک و نوجوان نگارش می یابد. هر چند این آثار به منظور آموزش مستقیم و در چارچوب برنامه درسی تألیف نمی شود، اما می توان اهدافی را بر این تألیفات مترتب دانست که متناسب با محدودیت تجربه، گنجینه لغات، زمان دقت و توان ناچیز کودک و نوجوان در دریافت رویدادهای متنوع در یک زمان معین می گردد. با آنکه آثاری که به منظور بهره برداری کودکان و نوجوانان پدید می آید، صورت های متنوعی اعم از شعر، داستان، نمایشنامه، فیلم و انیمیشن و سایر موارد به خود می گیرد، اما به نظر می رسد، شعر کودکان و نوجوانان دیرپاترین شکل ادبی برای نونهالان است. از آنجا که سابقه این اشعار در ادبیات ملل مختلف به ترنم لالایی مادرانه روزگار کهن می رسد و صورت امروزی آن ها نتیجه توسعه مدنی و مقصودهای متفاوتی است که شاعران این نوع شعر در ادبیات ملل برای سروده هایشان در نظر می گیرند.

## ۲- ادبیات تحقیق

سلیمان العیسی (۱۹۲۱-۲۰۱۳م) شاعر و ادیب اهل سوریه، مشهور به شاعر کودکان در روستایی نزدیک انطاکیه ولادت یافت. او چند مجموعه شعری و چندین پژوهش ادبی از خود بر جای نهاد. سروده ها و ترانه هایش اغلب موسیقی حماسی دارد. شهرت اصلی وی ناشی از سرودن شعر کودک است. العیسی در ادبیات عربی از پایه گذاران شعر کودکان شمرده می شود و برخی او را امیر شعراء الأطفال نامیده اند. وی دیوان شعری با عنوان «دیوان الأطفال» دارد که طرفداران زیادی در سوریه و سایر کشورهای عربی دارد. وی پس از ۱۹۶۷م (مقارن با جنگ سوم رژیم صهیونیستی با اعراب) به نگارش شعر کودک روی آورد و افزون بر آن نقش بسزایی در ترجمه داستان ها و نمایشنامه های ملل مختلف جهان داشته است. سلیمان العیسی در ۱۹۹۰م به عنوان عضو مجمع زبان عربی در دمشق انتخاب شد و در ۲۰۰۰م نیز جایزه نوآوری شعر را از طرف مؤسسه الباطین کسب کرد. مهمترین آثار وی در شعر کودکان عبارت از «أغنیة فی جزیره السندباد»، «دیوان الأطفال»، «شعر الأطفال»، «مسرحیه شعریه للأطفال» است.

## ۳- پرسش تحقیق

پژوهش حاضر با پرسشی دایر بر چگونگی بهره وری شاعر از گونه های متنوع شعر کودکان در ایفاد مضامین، به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی «دیوان الاطفال» سلیمان العیسی می پردازد.

## ۴- پیشینه تحقیق

در بیان پیشینه پژوهش می توان به آثاری مانند «سلیمان العیسی: هشتاد سال رویا و آرزو» از ابراهیم الجرادى، «درنگ هایی با سلیمان العیسی» از ملکه ابیض، «با سلیمان العیسی» که گروهی از نویسندگان نوشته اند، اشاره نمود و از مقاله «حضور انقلاب الجزائر در شعر سوریه - بررسی موردی شعر سلیمان العیسی» از ایمان فاطمه الزهراء بلقاسم یاد کرد که نویسنده اش از رویکرد شعر سوریه به انقلاب الجزایر و سروده های سلیمان العیسی سخن گفته است. با این حال مقاله حاضر نخستین پژوهش گونه شناسی در «دیوان الاطفال» سلیمان العیسی است.

**۵- بحث و بررسی****۵-۱- ادبیات کودکان نزد ملل عرب**

ادبیات کودک به صورت شعر و داستان بخشی از فرهنگ عربی به شمار می آید، ولی سالیان طولانی از نظر کیفیت تولید و نقد و بررسی اش مورد غفلت قرار گرفت تا آنکه ادیبان و ناقدان توانمند دنیای عرب از جمله؛ احمد زلط، عبدالتواب یوسف، عبدالله أبوهیف، محمد قرانی، عبدالعزیز المقالح در دهه های اخیر به بررسی این نوع ادبی پرداخته اند. (نظام دوست، ۱۳۹۰ش: ۶)

در همین راستا المقالح ادبیات موجود کودکان را برای تحقق بلندپروازی های کودک عربی و نیازهایش کافی ندانسته و کوشش های احمد شوقی، کامل الکیلانی، عبدالتواب یوسف و حتی سلیمان العیسی را در مقایسه با درخواست های نو ناکافی می شمرد. از همین رو برخی از پژوهشگران و ادیبان عرب تبار معتقدند که جای خالی ادبیات کودکان به ویژه شعر کودکان احساس می شود. (الهیتی، ۱۹۷۷م: ۲۱۴)

شایان ذکر است که جنگ سوم نظامیان صهیونیست با اعراب در ژوئن ۱۹۶۷م تأثیر ژرفی بر زندگی مردم عرب تبار نهاد تا جایی که برخی از اندیشمندان جامعه ساختن نسل نو و کودکان را که سنگ بنای آینده اند، راه رهایی از پیامدهای تلخ آن جنگ شمردند و درصدد بر آمدند کوشش های خویش را بر ترمیم افکار جامعه از راه نگارش برای کودکان متمرکز سازند. به همین سبب زکریا تامر و سلیمان العیسی توجه خویش را به داستان و شعر کودک معطوف نمودند. (أحمد، ۱۹۸۵م: ۱۳)

سپس اجلاس «اهتمام به فرهنگ ملی- قومی کودکان عرب» با دعوت دبیرخانه اتحادیه عرب در ۱۹۷۰م در بیروت تشکیل شد و موضوع سوم کنفرانس دهم ادبیات عرب (الجزائر- ۱۹۷۵م) نیز «کودک در ادبیات عرب» بود که ادیبان سوریه بیش از سایر ملل به آن اهتمام ورزیدند. سلیمان العیسی سه مجله اعم از داستان، سرود و نمایشنامه برای مدارس تألیف کرد. (زنگنه، مجله ادبستان: ۱۵) زیرا گرایش به ادبیات کودکان تا نیمه قرن ۲۰م آموزشی بود و کتاب های کودکان محدود به آن اهداف و موضوعات می شد. (زلط، ۱۹۹۴م: ۲۶) چنانکه العیسی در دیوان «غنا یا أطفال» زبان شکایت گشوده و می گوید: «ادبیات ما از شعر کودکان محروم است. چندین بار گفته ام که شاعران ما از نوشتن شعر برای کودکان و ایجاد لبخند بر لبانشان خجالت می کشند. کودکان ما از لبخند محرومند، از سرودهای زیبا و شعر حقیقی. ادبیات ما تاریخ گسترده ای دارد، ولی از شعر کودک محروم است. خدا استاد ما احمد شوقی را رحمت کند که این را پیشتر احساس نموده و راه را برایمان گشود.» (العیسی، ۱۹۷۹م: مقدمه غنا یا أطفال) به این ترتیب شعر کودکان در سوریه بر داستان آنان پیشی گرفت و روزنامه و مجلات ویژه کودکان منتشر شدند. (الموسی، ۲۰۱۰م: ۷۴)

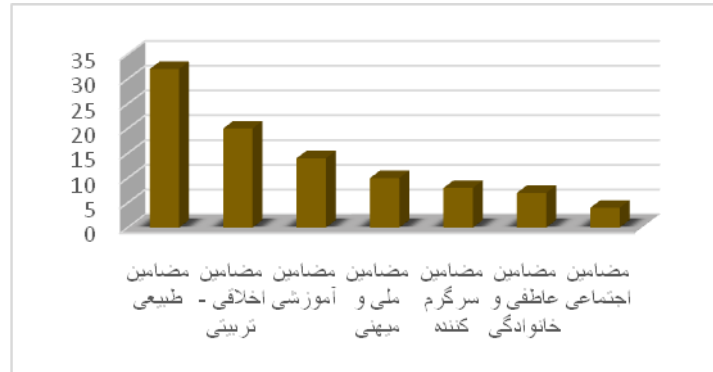
**۵-۲- شعر کودکان نزد سلیمان العیسی**

العیسی شعر کودکان را نوعی معادله شمرده و در تعریفش می گوید: «شعر حقیقی؛ شعر آسانِ سخت است، نزدیکِ دور. آسان است، زیرا کودکان آن را می خوانند و زود حفظ می کنند؛ سخت است، زیرا برخی از معانی و صورت های پیچیده و دور از درک و فهم نونهالان است. سهولت در شعر کودکان عمدی بوده و معادله شعری زیبا نامیده می شود، این معادله تلاش زیادی می طلبد تا هر سرود و بیته به اندازه توان به نظم در آید.» (یوسف، ۱۹۷۰م: ۳۰)

او می گوید: «من برای کودکان نمی نویسم تا آنان را دلداری دهم. چه بسا بازی کودکان سودمندتر و نافع تر باشد. ای کودکان عزیز من! این گونه من تجربه قومی - ملی، تجربه انسانی و فنی، غم ها و آرزو هایم را به شما انتقال دادم... زمانی که کمی بزرگ تر شوید، خواهید دید که من به شما دروغ نگفتم و وقت ارزشمندتان را با هیچ و پوچ هدر ندادم. شما برای من با ارزشید و نزد من عزیزترینید. شما شایسته اید که این امانت بزرگ را حمل کنید؛ امانتی که امت بزرگ رنج دیده عرب را بر می گرداند، آنان به جایگاه انسانیت بر می گردند تا بار دیگر در نوآوری سهیم شوند.» (العیسی، ۱۹۹۹م: ۳۰)

### ۵-۳- گونه های شعر در «دیوان الاطفال» بر اساس تنوع مضامین

تعریف گونه در ادبیات با شناخت انواع ادبی صورت پذیرفته است. موضوع اصلی گونه شناسی ادبی، طبقه بندی آثار از نظر ماده و صورت در گروه های محدود و مشخص است. (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۳) گونه های شعر العیسی بر طبق ماده و مضمونش متفاوت است. او از پدیده های طبیعی و زیبایی های آن ها، نصایح تربیتی، اهداف آموزشی و انگیزه های ملی انواعی ساخته و سرگرمی و احساس و جمع گرایی را دستمایه خویش قرار داده تا به مضامین مورد نظرش راه برد. جدول ذیل بسامد مضامین مورد توجه شاعر را در «دیوان الاطفال» نشان می دهد:



### ۵-۳-۱- شعر طبیعت در «دیوان الاطفال»

طبیعت با پدیده های کودک را به تماشا می دارد و او واقعیت هایی را اعم از چیزهایی که دیده و می شناسد، شنیده و تشخیص می دهد، به ذهن می سپرد و شاعر می تواند تصاویر جدیدی را با استفاده از فن وصف و در نظر گرفتن توان ناچیز کودک، در کنار لذتی سرشار، بیافریند. (بوالحسنی، ۱۳۸۵: ش: ۹۶)

پدیده های طبیعی با گستردگی و تنوع، زیبایی و دل انگیزی تناسبی شگرف با میل کودک و ویژگی های روحی- روانی وی دارند. پیازه معتقد است که مرز میان جاندار و بی جان در نظر کودکان نهان می شود و آنان اساس را بر جاندار بودن همه چیز می نهند و زندگی و عوارضش را به تمام اشیاء و پدیده های پیرامون شان نسبت می دهند. (بلالی، ۱۳۷۹: ش: ۱۲)

شعر طبیعت نه تنها پدیده های طبیعی را توصیف می کند و رنگ ها و صورت های مختلف آن پدیده ها را ترسیم می نماید، بلکه برخوردار از اسلوبی ظریف و واژگانی گزینش شده، آنان را چنان که هستند، به تصویر می کشد. (التونجی، ۱۹۹۳: ج ۲: ۵۵۹) این گونه شعر در دیوان الاطفال سلیمان العیسی بیشترین بسامد را دارد و او به تنوع ذیل از پدیده های طبیعی برای کودکان سخن می گوید:

### ۵-۳-۱-۱- فصل ها

بهار نزد العیسی رنگ های متنوع، شادی و طراوت دارد و فصل زنده شدن مجدد طبیعت است. او در عین حال از تکرار و سخن کلیشه ای دوری کرده و از بهار برای بیان مفاهیمی مانند امید، شادی و خنده بهره گرفته است. العیسی در شعرش کودکان را در کنار گل ها به تصویر می کشد و سعی می کند، احساس شان را نسبت به زیبایی و هنر برانگیزد و توجه شان را به طبیعت و تغییر فصل و آب و هوا جلب کند. شاعر تابستان را فصل لبخند کودکان شمرده و فصل پایان مدرسه و بازی و شادی و برداشت محصول معرفی می کند. با آنکه پاییز در اشعار شاعران دو سیمای کاملاً متفاوت دارد و گاهی شاد و طربناک و زمانی غم انگیز و دلگیر است، اما اشعار سلیمان العیسی حتی وقتی پاییز را غم انگیز و فصل برگ ریزان ترسیم می کند، بلافاصله امید و لبخند

لبان کودکان را با خود می آورد و آنان را با خبر مدرسه رفتن و پیام های خوش شاد می کند. پاییز در اشعار وی نشانگر شادی است و با شروع سال تحصیلی پیوند می خورد. او کودکان را در کنار طبیعت زیبای پاییزی توصیف می کند و در زمستان از کودکان دعوت می کند تا در کنار آتش بنشینند و از بادهای شدید و سرد زمستان، گنجشکانی که از سرما فرار می کنند، سخن می گوید. از همین رو در سروده «ترانه های چهار فصل» از چهار فصل سال و ویژگی دلپذیرشان یاد می کند: «بهار: فصل بارانها و شکوفهها/ فصل سایه های بلند سبز است/ تابستان: فصل مسافرتها و جمع آوری غلات/ فصل باغ های بسیار بخشنده است./ پاییز: فصل ریختن برگها/ فصل ابرهای باران زا/ فصل وزش بادهای تند است./ زمستان: ای آتش شب نشینیها/ ای قصه های مادر بزرگها/ آب در تو منجمد می شود.» (العیسی، ۱۹۹۹م: ۶۲۲)

او سپس در سروده هایی جداگانه طبیعت را در بهار و تابستان و پاییز و زمستان توصیف نموده و سیمای زندگی را در آنها به تصویر می کشد. چنان که در سروده «بهار» گوسفندان را به سبزه زارها و مرغزارهای بهاری می فرستد و صدای بلعیدن علف تازه را با شرشر جاری رود دره می آمیزد و در «تابستان با کودکان سخن می گوید» به تابستان جان می بخشد تا با استفاده از صنعت تشخیص در شب پرستاره و مهتابی دلبری کند و از کشتزار طلایی و میوه های رسیده و ایام خوش تعطیلات سخن گوید. او در سروده «پاییز» با پراکندن برگ های زرد پاییزی در راهها و ترسیم توده های ابر و ریزش باران از جست و خیز دانش آموزان و ترانه های شادمانه شان در راه مدرسه یاد می کند و در سروده «زمستان» بادها را هم آغوش باران، سوی شاخسار درختان می فرستد و آتش اجاقها را می افروزد و کودک را به یاری گنجشکی می کشاند که از سرما به وی پناه آورده تا در سروده «برف» به وصف برف سپید و دوست داشتنی که وسیله رایگان بازی های کودکان در خانه ها و کوچه ها است، بپردازد و با خطاب کودکان بگوید: «ای پَر سفید گنجشک/ ای دانه های برف/ درختان باغمان را بیوشان/ روی چراگاهها را/ ای پَر سفید گنجشک/ ای نوای گیتار/ در بالکن خانه ترانه سر ده/ بام را بیوشان/ ای دانه های برف فرو ریزید/ راهها را بیوشانید/ اکنون تمرینم را خواهیم نوشت/ و برای بازی می روم.» (همان: ۱۴۴)

### ۵-۳-۱-۲- حیوانات

سلیمان العیسی در سروده هایش به انواع گوناگون حیوانات طبیعت اعم از جوندگانی مانند موش و خرگوش و پرنده گانی مانند گنجشک و بلبل، اردک و غاز، کلاغ و پرستو، لک و کبک توجه کرده و گاهی دام و چهار پا و حیوانی نیمه اهلی اعم از گوسفند، گاو، اسب و سگ و گربه و آهو را موضوع شعرش قرار می دهد و حتی از روباه و گرگ و افعی سخن می گوید و با دعوت از کودک به باغ وحش از پلنگ و زرافه و بوزپلنگ نام می برد و به وصف شان می پردازد. او گاهی به زبان آنان حرف می زند و زمانی با ذکر اسم صوت شان به توصیف آنها راه می برد و به این ترتیب اشعاری فراهم آورده تا از سادگی رابطه کودکان با این موجودات زبان بسته بهره مند گردد و ذوق شان را پرورش دهد. از همین رو در سروده «کوکب اسب اصیل» از زبان کودکی که تولدش را جشن گرفته، می گوید: «من سوارکارم/ اسب سیاه و سفیدی دارم/ من با او حرف می زنم و کوکب می فهمد/ آن نام اوست، از آسمان گرفتمش/ اسبم مثل تیری تراشیده است، خسته نمی شود/ مصعب روزی سوارش شد/ دوستم مصعب چقدر بد کرد/ با شلاق شروع کرد او را به شتاب و می داشت/ دوست من! کوکب شلاق نمی خورد/ اسبم با پیچ پیچی تو را به هر جا خواهی، می برد.» (همان: ۶۹۷)

شاعر در «سرود اردک» زبانی را به اردک وام می دهد تا صحنه ای از بازیگوشی جماعت شان را بیان کند و با کاربرد مثلی بر ذخیره اطلاعات شنیداری کودک می افزاید و می گوید: «ما با آب خلق شده ایم/ روی آب متولد شدیم/ درباره ما از قدیم مثلی می گویند/ جوجه اردک شناگر است . . .» (همان: ۶۶۸)

العیسی گاهی با استفاده از جذابیت داستان پردازی، قهرمانی می آفریند و زنبوری را برای نجات گوسفندی از دام گرگ می فرستد و با شرح مفصل ماجرا از زبان مخاطب نونهال، منظورش را از تعریف قصه بیان می کند. او در «زنبور دوست من» می -

گوید: «مادربزرگم برایم تعریف کرده/ پای اجاق شب نشینی/ که گرگی بدخو/ با دندان هایی مثل خنجر/ و دیدگانی پر شرارت/ سحرگاهی آمد/ در پی گوسفندی راه گم کرده/ دیدش که زیر سایه درخت خفته/ . . . آماده شد تا بر شکارش بپرد/ زنبوری صدایش را شنید/ دوستانش را در هوایی تاریک، روشن بیدار کرد/ در یک چشم برهم زدن، کاروانی فرو افتادند/ و شکارچی را با صدها سوزن (نیش) دوره کردند. . .» (همان: ۳۳۷)

العیسی زمانی نیز به مدد قهرمان داستان شعرش مثلی را با آن می آمیزد، پس نخست قصه ای را به زبان شعر تعریف می کند و سپس ضرب المثلی را متناسب با آن ذکر می نماید تا توشه ای از فرهنگ مردمش را در انبان نونهال نهد. چنان که در سروده «**جغد و بلبلان**» از بلبلانی یاد می کند که بر شاخسار بستانی نغمه سر داده بودند تا روزی که جغدی به دیدارشان می آید و خود را معلم ترانه سرایی معرفی می کند و فضای باغ را از نوای شومش پر می سازد و کاروان مسافرانی را که در سایه سار آن بستان آسودگی می جستند، پراکنده می سازد. پس شاعر داستانش را با مثلی پایان برده و می گوید: «بسا قارقاری صدای زیبایی را خاموش کند و بسا نوای شوم کلاغ فضا را از نوای بلبل بگیرد.» (همان: ۴۷۸)

### ۵-۳-۱-۳- رنگ ها

یکی از تحسین برانگیزترین پدیده های طبیعی که رنگ های مختلفی را در خود دارد و موضوع شعر العیسی قرار گرفته، رنگین کمان است که شاعر آن را عنوان سروده اش قرار داده و در «**رنگین کمان**» یکایک هفت رنگش را شرح می دهد. او نخست نونهال را متوجه آبی آسمان نموده و سپس زمین سبز را چشم انداز شعرش قرار می دهد و آنگاه شادمانه به کمان رنگارنگ آسمان راه می برد که با وجود رنگ های گوناگونش وحدتی را بشارت می دهد که حافظ وجود آن است. شاعر سپس از خون سرخ شهیدان و سبزه بودن فرزندان مرز و بومش و آبی باشکوه آسمان یاد کرده و شن های زردفام صحراهای بخشی از سرزمین عرب تبار را سرمه سالی چشم نیاکان می نامد تا نظر نونهال را به مفهوم والای وحدت و یکپارچگی سرزمین عربی جلب نماید، پس می گوید: «وحدت و یکپارچگی دستمایه آزادگان است/ که هر دیواری را به مبارزه می طلبد/ با هزاران تن که فردا می آیند/ و هزاران لبخند فردا روز.» (همان: ۲۷۱)

العیسی در سروده «**مداد رنگی ها**» نیز از رنگ سخن گفته، اما رنگ برگزیده اش که بیشترین توجه مخاطب نونهال را نیز جلب می کند، قرمز است. از همین رو با زبانی کودکانه از جعبه مداد رنگی کودکی یاد کرده که با مداد قرمز گل سرخی می کشد و می گوید: «جعبه ای مداد رنگی دارم/ مدادهایی برای رنگ آمیزی/ مثل ستاره گل سرخی می کشم/ مادرم گفت: تو آن گل سرخی/ اسم من دعد است و برادرم سعد/ فدای میهنم می شوم که شکوه مند است/ من جعبه مداد رنگی دارم/ مانند هنرمندان بزرگ.» (همان: ۳۹۸)

### ۵-۲- شعر تعلیمی در «دیوان الاطفال»

هرچند شعری که مفاهیم آموزشی را مقصود خود قرار می دهد، در زمره روش های آموزش کلاسیک قرار می گیرد تا به روش کلام منظوم داده ها را به سمع فراگیر برساند، اما گاهی این روش در آموزش های غیر رسمی و تدوین نشده نیز به کار می آید. از همین رو دسته ای از اشعار دیوان الاطفال ذیل گونه آموزشی قرار می گیرند و العیسی با این سروده ها به یادگیری کودک از طریق تکرار شعری کمک می کند. شاعر در «**حروف زیبا**» به نظم الف تا یاء همت گماشته و ۲۸ حرف عربی را همراه واژگان مثال ذکر کرده و در «سرود نور» توجه نونهال را به مدرسه و معلم و یادگیری زبان عربی جلب می نماید و آنگاه در «**شیرین ترین زبان**» به تحسین زبانش پرداخته و به یادگیری اش فرا خوانده و می گوید: «این کلام و این کتاب های من است/ خورشید عرب در آن می درخشد/ معلم! خوش آمدی، خوش آمدی/ بشتاب، شیرین ترین زبان را بخوانیم/ . . . ای آبشار روزگار آینده، زبان من مانند تو تپش زندگی است.» (همان: ۲۲۲)

البته العیسی به این اشارات بسنده نمی‌کند و در سروده «شاخه گلی خواهم شد» خود را در مکان کودکی قرار داده که از پاکیزگی، طبیعت، پاکیزگی می‌آموزد و رفتار مناسب با برخاستن از خواب نشان می‌دهد، چنان که می‌گوید: «چگونه دست و روی نشویم؟/ چگونه تمیز و پاکیزه ظاهر نشوم؟/ آیا گل‌ها با قطرات باران تن نمی‌شویند؟/... از گل سرخ بپرسید/ آیا اگر دانه‌های شب‌نم نباشد، جذاب می‌شود؟/ من هم گلی خواهم شد، به من بنگر/ وقتی دست و روی خویش می‌شویم.» (همان: ۶۴۳)

وی در هر مصرع این شعر توازنی را با مصراع دیگر برقرار ساخته و با اشاره به پدیده‌های پاکیزه در طبیعت، به موضوع پاکیزگی و رعایت بهداشت راه می‌برد. او باران را عامل شست و شوی گلبرگ‌ها می‌شمارد و برگ‌های پاکیزه درختان را باعث طراوت فضا و تابش خورشید می‌داند. سپس از موج دریا مُشتی آب بر می‌گیرد تا صورت شن ساحل را با آن بشوید و به این ترتیب آمیزه‌ای از بازی موج با ساحل را در پاکیزگی هویدا می‌سازد. مهارت شاعر سپس در قطرات شب‌نمی هویدا می‌شود که صبحگاهان بر چهره گلبرگ‌ها می‌نشانند و به این وسیله تناسبی خوشایند بین طراوت گل و چهره کودک ایجاد می‌کند و از شستشوی دست و روی کودک در صبحگاهان سخن می‌گوید تا رفتاری روزانه را نزد نونهال خوشایند سازد.

البته العیسی به آموزش الفباء و بهداشت فردی بسنده نمی‌کند؛ بلکه در «**کودکان هفته**» ترانه روزهای هفته را ساز می‌کند و هر روز را به وصفی زینت می‌دهد تا در خاطر کودک بماند. هر چند تعطیلی روز پایان هفته نزد هردو یعنی شاعر و کودک بسیار تحسین برانگیز است. از همین رو می‌گوید: «وای! چه قدر روز جمعه گرامی و دلپذیر است!» (همان: ۶۹۱)

او که با ذکر مرتب ایام هفته قصدش را بر آموزش نظم هویدا ساخته، در «**کتابخانه کوچکم**» ترانه انضباط را از زبان کودکی جاری می‌سازد که کتاب هایش را در قفسه می‌چیند و آن‌ها را دوستان صمیمی و گنجینه تابناکش می‌شمارد. وی سپس در «**خواننده کوچک**» مقصودش را افشاء می‌نماید و نونهال را به خواندن ترغیب می‌کند و می‌گوید: «نامم کامل است/ پدرم کارگر است/ نوشته‌ها را می‌خوانم/ داستان‌ها را به راحتی می‌خوانم/ شکوفه‌های لیمو/ دانه‌های زیتون/ خیش کشاورز...» (همان: ۲۸۰) اما تشویق به خواندن آخرین هدف شاعر نیست. زیرا او در «**نویسنده کوچک**» توانایی نوشتن را هدف مهم مخاطب خردسالش قرار می‌دهد و به روش گفتگوی نمایشی قصه‌ای را تعریف می‌کند که نونهال شعر العیسی نوشته است. از همین رو می‌گوید: «بچه‌ها: بستم چه می‌نویسی؟/ بستم قلم به دست، سرش را کمی بلند می‌کند/ قصه‌ای می‌نویسم/ قصه‌ای می‌سازم...» (همان: ۲۸۲)

### ۵-۳- «در دیوان الاطفال»

منظور از اشعار اجتماعی سروده‌هایی‌اند که به روابط اجتماعی کودک در محیط خانواده و جامعه بیرون از خانواده و یا به طبقه خاص اجتماعی می‌پردازند و مسائل و موضوعات اجتماعی در مرکز آن‌ها قرار می‌گیرد. در این اشعار نقش تعاملات اجتماعی مطرح است، نه نقش تربیتی آن. هدف شاعر تأکید بر پیوندهای خانوادگی و نقش آن در شکل‌گیری شخصیت کودک است. مضامین اجتماعی مربوط به جامعه و روابط کودک در جامعه است که شامل احترام به بزرگترها، خیر دوستی و سایر مفاهیم اجتماعی می‌شود. در مضامین اجتماعی، تعامل کودک با والدین مطرح است. از همین رو العیسی در «**دیوان الاطفال**» سروده‌هایی را با رویکرد به خانواده به نظم کشیده و با توجه بدان سخن می‌گوید.

### ۵-۳-۱- توجه به خانواده

علاقه کودک به والدین به ویژه مادر انکارناپذیر است و حضور وی تأثیری مستقیم در رشد کودک دارد، چنان که علاقه به سایر اعضاء خانواده و معلم مدرسه و دوستان نیز آثار معتناهایی بر رفتار کودک دارد. سلیمان العیسی در مقدمه «**دیوان الاطفال**» می‌گوید: «کودکان زبان، وطن، مردم، گل، بهار و زندگی را دوست دارند، آن‌ها سرودهای شیرین را یاد می‌گیرند، شعری زیبا، شعری حقیقی برای آن‌ها بنویسید.» (العیسی، ۱۹۹۹: ۱۰)

این درنگ شاعر بسا به سبب توجه به عواطف کودکانه است. از آن جا که عواطف کُنش و واکنش هایی اند که بر اساس رابطه فرد با دیگران، اشیاء و سایر موجودات ظهور می یابند، نخستین فرد عاطفه برانگیز برای کودک مادر است. او پناه وی و قلمرویی است که امنیت و آسایشش را فراهم می کند. او اولین مربی کودک و پناهگاه محبت و سرشار از بخشش است. اشعاری که به مادر می پردازند، اغلب تصویر انسانی را ترسیم می کنند که ویژگی شاخصش مهربانی و از خود گذشتگی است. مادر در آغاز موضوعاتی است که در شعر کودکان می آید. (الصفدی، [www. Thawra. Alwehda. Gov. sy](http://www.Thawra.Alwehda.Gov.sy))

او مقام مادر را والا می داند و جایش را در قلب فرزندانش قرار می دهد. مادر راز به وجود آمدن کودک و پناهگاه سعادت و خوشبختی اوست. از این رو شاعر ترانه ای با عنوان «**سرود مادر**» سروده و وی را به عنوان نغمه ای جاودانه و نور دائمی می-شمرد: «مادر! مادر! ای آواز خوش / قلبم را از صدای عشق پُر می کنی / تو سرود منی، عیدت عید من است / لبخند مادرم راز وجود من است.» (العیسی، ۱۹۹۹م: ۴۳)

العیسی سپس روابط کودکان خانواده را با یکدیگر مد نظر قرار داده و در سروده «برادر» زیبایی برادری و احساس پاکی را که شادی خانه را به ارمغان می آورد، به تصویر می کشد: «زیباتر از کلمه برادر نمی بینم / وقتی می گویم برادر! خانه پر نور می شود / ما یک نور در چشمانیم / ما یک صدا در دو لبیم.» (همان: ۶۵۴)

شاعر آنگاه با توجه به جمع خانواده، به معنای آن راه برده و کوچکترین نهاد اجتماعی را منظور شعرش قرار می دهد و در سروده «**خانواده می کوشد**» به تلاش جمعی اعضاء خانواده اشاره می کند و می گوید: «تنبلی از کجا می آید؟ / خانه ما مثل کندوست / خانه مان کار و تلاش است / تنبلی از کجا می آید؟ / مادرم با شبنم صبحگاهی بیدار می شود / زندگی را در خانه رونق می دهد / و پدرم تلاشگری جدی است / به سوی کار می رود و بر می گردد.» (همان: ۵۰۵)

شاعر این شعر را با استفاده از ارزش های مهم زندگی کودک سروده و با استفاده از آواز برادر و خواهری که شعرش را تکرار می کنند، به مضمون تلاش اجتماعی راه می یابد. او شعر دیگری را با عنوان «**خانه ای بر کرانه رود**» بر زبان دخترکی خردسال نهاده و به این روش به توصیف سرپناه شان و کوشش خانواده که نور امید روشنش ساخته، اشاره می کند و می گوید: «آن را بر رودی ساختیم / نزدیک آب و سبزه / خانه ای جادویی بنا کردیم / منظره ها .. همه اش جادویی / همه خانواده مشغولند / با هم همکاری می کنیم.» (همان: ۴۹۴)

به نظر می رسد، کار پر بهاترین ارزش اجتماعی، تربیتی و اخلاقی در «**دیوان الاطفال**» العیسی است. از همین رو شاعر توجه کودکان را بدان جلب کرده و نقش مشارکت را آشکار می نماید. چنان که کلمات «خانواده، همکاری و کار» در سروده یاد شده بدان دلالت دارد. او در سروده «**سرود کارگران**» نیز ترانه ای شیرین را بر زبان کارگری جاری می سازد: «با دستمان معجزه می کنیم / سازه های زیبا و ماندگار را برفراز می نماییم / هزاران ستون را بالا می بریم و سد می سازیم / بر نیل بزرگ، بر آب های فرات / سرزمین مان پُر از مردان نیرومند و فداکار است.» (همان: ۱۸۷) او در این شعر کار و کارگر را معرفی می کند و با استفاده از کلماتی مانند «معجزه، ستون و ست» و ذکر معنای شان در پاورقی هر صفحه به افزایش وسعت دایره لغات کودک توجه کرده و به معرفی مشاغل راه می برد.

### ۵-۳-۲- وطن پرستی

سلیمان العیسی، شاعری است که در شعرش به ارزش های ملی و میهنی پرداخته است. او برخوردار از ملی گرایی عربی و احساس شعری به موضوع وحدت توجه نموده و چنان که پیشتر در سروده رنگین کمان خاطر نشان شد، رنگ های گوناگونش را که کنار هم قرار می گیرند و موجودیتش را شکل می دهند، رمز با هم بودن می شمرد. پس در «**میهن کودکان**» از الفاظ شفاف و روشنی استفاده می کند و با قرار دادن واژگان «عدل، میهن، گنج» به دریافت کودک در پر بها شمردن آب و خاکش یاری رسانده و می گوید: «آن چه که برای ما کافی است، در دستان ماست / خیر و بخشش را عادلانه در میان مان تقسیم کن /



بشتاب! ای سرزمین آینده / به حساب آنکه نمی‌کوشد، رسیدگی کن /... سینه ات را برای آیندگان بگشا/ کودکان پیروزی می- آیند/ گنجشک به ما گفت: همه گنج های نور در ملک کودکان است.» (همان: ۸۶)

او در «**بگشا ای میهن**» میهنش را سرزمین مهربانی می‌شمرد که از مواهب طبیعی می‌جوشد و ستاره راهنما در تاریکی هاست. (همان: ۷۲۳) به این ترتیب وطن برخوردار از ارزش نخست در سخن شاعر محور تعامل و اساس موضوعات اجتماعی «دیوان الاطفال» گردیده است. پس بر اساس آن، کودکی فلسطینی را به سخن می‌آورد تا از قضیه دردناک اشغال سرزمینش در «فلسطین خانه من است» روایت کند: «فلسطین خانه ام و شاهراه پیروزی منست/ سرزمینم عشقی در قلب منست/ آوایی گردن فراز بر لبانم/ چهره هایی ناآشنا در دیار غارت شده ام/ میوه ام را می‌فروشدند و خانه ام را اشغال می‌کنند/ من شاهراهم را می‌شناسم و ملت منم برمی‌گردند/ به خانه پدری، به پناه هدایت شده/ فلسطین خانه ام و شاهراه پیروزی منست.» (همان: ۴۸)

العیسی آنگاه در «**کودکی از فلسطین**» کودکی دیگر را از شهر صفد به سخن آورده تا مشروح مصیبت‌هایی را بیان دارد که در اثر اشغال سرزمینش تحمل کرده است: «من اهل صفد هستم/ کشورم را دزدیدند/ سرزمین اشغال شده‌ام، فلسطین/ درخت لیمو در آن نشکفت/ مرغزار نخنید/ وقتی باد زرد وزید/ زمین گل‌ها را چراگاه مرگ و آتش نمود/ غریبه‌ها با کینه‌ها آمدند/ از اطراف و اکناف گیتی/ با سرنیزه‌های زورگویان/ غریبی خانه پدرم را اشغال کرد/ شبانگاهی تاریک آواره شدم/ از خانه گرانبهایم تبعید شدم/ به یاد نمی‌آورم چگونه آواره شدیم/ گروه گروه نونهال/ من از یافا، من از صفد/ فردی را نیازدم/ وای بر دزدان خانه ام/ آتش برابر آتش می‌ایستد/ من از یافا، من از صفد/ میهنم! تو را با دستانت آزاد می‌سازم.» (همان: ۱۲۶)

کلمات این شعر آسان است و شاعر با استفاده از واژگان «وطن اشغال شده، نشکفتن، نخنیدن، مرگ، آتش، غریبه، کینه، سرنیزه، شب تاریک، آوارگی، دزدی» فضایی اسفبار را می‌آفریند تا مشروح آسیب‌هایی را که در نتیجه اشغال فلسطین متوجه نونهالانش گردیده، بیان دارد، اما با این حال امیدواری معهودش را که ویژگی شعر نونهالان است، در آخرین کلام کودک فلسطینی به ودیعه می‌نهد و از رهایی وطن به دستان کودکانی از یافا، صفد و... سخن می‌گوید و چاره کار را در باختن سر در راه وطن می‌شمرد و در «**سرود فرزند شهید**» از سرسبزی سرزمینش یاد می‌کند که با عزم کودکان بر ادامه دادن راه پدر شهیدشان محقق می‌گردد. از همین رو می‌گوید: «تا که سرسبز شوی میهنم! / و پرچم عربی بوزد/ بر زمینی که فرش آمال گسترده شده و گهواره پیامبری در آن بسر برده است/ ما موج خشم بودیم تا لبخند بی فروغ نشود/ جنگیدیم و پدرم زیر پرچم شهیدان وفات یافت/ من پسر عقابم که بالش را در حمایت از تو گشودم/ من پسر عقابم که بال‌های مرا برگرفته و خداحافظی کرد/ من خواهم پرید، خواهم پرید/ تا از کاروان زمان سبقت بگیرم/ من صدای شهیدم و آتش سبزش ای میهنم! تا تپه‌ها و سرازیری‌ها و سواحل سرسبز شوند/ تا آدمی در اطراف و اکناف انسانی بزید/ تا کودکان رنگارنگ محبت را به مشام کشند...» (همان: ۱۹۳)

با آن که این سروده از زبان فرزند فردی است که در خون خویش غلطید، اما واژگان «سرسبز شدن، لبخندها، پسر عقاب، پرواز کردن، انسان، کودکان و رنگارنگ محبت» تناسبی شایسته با خوش بینی معهود در شعر کودکان برقرار ساخته و آن را بر فراز امیدواری و آینده‌ای روشن و سرشار از انسانیت قرار داده‌اند.

#### ۵-۴- سرگرمی در «دیوان الاطفال»

مضامین سرگرم کننده و لذت بخش در شعر کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، اما برخی از پژوهشگران ادبیات کودک نوع سرگرم کننده و لذت بخش را گونه‌ای مستقل به شمار آورده و از آن با عنوان ادبیات تفریحی یاد کرده‌اند. این گونه ادبیات اگر پیامی هم داشته باشد، اغلب ساده و فاقد پیچیدگی است. «فضای عمومی آن چنان روشن است که یا شادی بر سراسر غلبه دارد و یا با شادی به پایان می‌رسد.» (طهوری، ۱۳۸۱: ۱۸۷) برخی نیز دنیای کودکانه را دنیایی شاد و پر هیاهو می‌دانند که آموزش مستقیم ملال آور و خسته کننده اش می‌کند و طبع بازیگوش کودک نیز از آن سر باز می‌زند. از همین رو بهترین راه آموختن مطالب به کودک را آمیختن شان به چاشنی شادی، خنده و بازی می‌شمردند. (تقی پور، ۱۳۹۰: ۴)

از جمله مضامینی که زیر مجموعه شعر سرگرمی قرار می‌گیرند، عبارت از؛ اشعار چیستان گونه و نقاشی، اشعار بازی های کودکانه، اشعار در برگیرنده آرزوهای کودکانه و اشعار با مفاهیم تخیل کودکانه‌اند. مطرح کردن چیستان در شعر نوعی از مضامین سرگرم کننده است و پیچیدگی آن و تلاش ذهنی کودک برای یافتن پاسخ، نوعی لذت را به ارمغان می‌آورد. بازی های کودکانه نیز در سایر اشعار این گونه به شعر در می‌آید، زیرا بازی اهمیتی حیاتی برای کودک دارد تا آن جا که ماهیت کودکی اساسا با بازی عجین شده و کودکان تخیلاتشان را ضمن بازی به زبان می‌آورند و می‌توان گفت که بلندبند فکر می‌کنند. العیسی نیز با اطلاع از این ویژگی کودکان در «**نبیل کوچک بازی دوست دارد**» درباره ناخشنودی نونهال می‌گوید: «مامان بازم می‌دارد/ بابا بازم می‌دارد/ خواهر بزرگم / برادر بزرگم نیز/ که بازی کنم، که بدوم/ مثل خرگوش در کشتزار سبز/ پایم را در گل فرو برم/ به تپه های گل نزدیک شوم/ مشتت گل به دست گیرم/ بازگردم، در حالی که من با تمام گرد و خاک محله لباسم را، پاهایم را آلودم/ من بچه ام، بازی را دوست دارم/ رنج را در آن شیرین می‌یابم. . .» (العیسی، ۱۹۹۹م: ۵۱۶)

اگر قرار باشد دو فعالیت مهم کودکانه معرفی شوند، قطعاً یکی بازی و دیگری نقاشی است. نقاشی کودکان دنیای درونشان را به ما نشان می‌دهد و فعالیتی مورد علاقه کودک است که باعث سرگرمی‌اش می‌شود. العیسی نیز در «**نقاش کوچک**» به این موضوع توجه کرده و از قول کودکی که خود را هنرمند می‌شمرد، می‌گوید: «مادر را، پدر را با رنگ ها می‌کشم/ پرچم را بر فراز قله ها/ من هنرمندم/ من شکارچی رنگ جاوگرم/ زمین کشورم گنج منظره هاست/ بگذار نور ستاره را/ رنگ تاک را بکشم/ با رنگ ها شعری می‌نویسم/ آزاده می‌زیم، من هنرمندم.» (همان: ۱۳۰)

البته کودک نه تنها از ابزار نقاشی؛ بلکه از هر وسیله‌ای که سرگرمش کند، خرسند می‌گردد، از همین رو شاعر در سروده «**نی لبک سعد**» از کودکی سخن می‌گوید که در روز تولدش، سروده‌هایی را با نوای نی لبک برای دوستانش می‌خواند: «نی لبک سعد فتنه می‌کند/ ساخته خود اوست/ اگر آوایش را بشنوی، دنیا دلفریب می‌شود/ نی لبک سعد فرشته ایست که با آواز خوش دلبری می‌کند/ او آن را نوای آزادی نامیده/ و آن را به دوستش رافع تقدیم می‌کند/ فلوت سعد از نی است/ و سوراخ هایی دارد که نوا می‌تراوند/ سعد خستگی را در آن ها فراموش می‌کند/ و گنجشکی مست می‌گردد/ کودکان محله با هم دیدار می‌کنند/ و سعد ترانه هایی می‌نوازد/ گویا دنیا گیتاریست که با لبان عربی می‌تپد.» (همان: ۲۱۹)

### نتیجه گیری

شعر کودکان در ادبیات عربی مورد توجه شاعران بزرگی مانند سلیمان العیسی قرار گرفته است. وی ۵ اثر خود را به ادبیات کودکان اختصاص داده است. بررسی دیوان الاطفال شاعر نتایج ذیل را در گونه شناسی شعر وی پدید آورده است:

- ۱- شاعر با درنگ بر ارتباط موفق کودک با طبیعت برخی از سروده های خود را به توصیف پدیده های طبیعی اختصاص داده و در سرودن شعر طبیعت به فصل ها، حیوانات، رنگ ها توجه نموده است.
- ۲- العیسی در اشعاری به فراگیری کودک اعتناء کرده و سروده هایی را در راستای آموزش مفاهیم به نظم کشیده و گونه‌ای شعر تعلیمی را در اشعار حروفنا الجمیله، نشیدالنور، احلی لغه، سوف ابدو ورده، اطفال الاسبوع، مکتبتی الصغیره، القاریء الصغیر و الکاتب الصغیر پدید آورده است.
- ۳- از آنجا که ادبیات از بستر جامعه خویش برمی‌خیزد و ارتباط تنگاتنگی با اجتماع خود دارد، العیسی با توجه به خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی، اشعاری را به نظم کشیده و با پدید آوردن گونه شعر اجتماعی در دیوان الاطفال به مفهوم خانواده و وطن راه برده است.
- ۴- شاعر در بیان ارزش وطن پرستی از الفاظ شفاف و روشنی استفاده کرده و گاهی پای از مرز میهنش فراتر نهاده تا به رویدادهای وطن اشغال شده عربی راه برد و آلام کودکان فلسطین را بیان نماید.
- ۵- شعر سرگرمی ذیل ادبیات تفریحی که مضامینی مانند چیستان، نقاشی، بازی‌های کودکانه دارد، برخی از سروده‌های العیسی را در دیوان الاطفال به خود اختصاص داده و شاعر با اطلاع از علاقه کودک به بازی و سرگرمی برخی از اشعار دیوان الاطفال را بدان اختصاص داده است.

## منابع

۱. أحمد، ناصر یوسف (۱۹۸۵). الأدب القصصی للأطفال-القصص الفلستانی المكتوب للأطفال، مصر، آرشیو الدار الجماهيریه للنشر و التوزیع و الإعلان.
۲. بلالی، رقیه (۱۳۷۹). «گفتگو با جعفر قربانی»، کتاب ماه کودک و نوجوان، تهران، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۲-۱۴.
۳. بوالحسنی، ناصر قلی (۱۳۸۵) ادبیات کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، جهاد دانشگاهی.
۴. تقی پور، الهام (۱۳۹۰). شوخ طبعی در ادبیات کودک، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی .
۵. التونجی، محمد (۱۹۹۳). المعجم المفصل فی الادب، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶. زنگنه، صباح (۱۳۷۳). ادبیات کودکان در کشورهای عربی، مجله ادبستان، شماره ۵۶، صص ۱۵-۱۷.
۷. زلط، أحمد (۱۹۹۴). أدب الطفوله، أصوله..و مفاهیمه، بی جا، بی نا.
۸. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸). انواع ادبی، چاپ ششم، تهران، فردوسی.
۹. طهوری، مهدی (۱۳۸۱). چکه‌ای آواز تکه‌ای مهتاب، پژوهش نامه ادبیات کودک و نوجوان، تهران، سال هشتم، شماره ۳۱، ۱۸۷-۱۸۹.
۱۰. العیسی، سلیمان (۱۹۹۹). دیوان الأطفال، چاپ اول، دمشق، دار الفكر المعاصر.
۱۱. العیسی، سلیمان (۱۹۷۸). غنوا یا أطفال، المجموعه الكامله، چاپ اول، بیروت، دار الآداب للصدار.
۱۲. الموسی، أنور عبدالحمید (۲۰۱۰). أدب الأطفال... فن المستقبل، بیروت، دار النهضه العربیه.
۱۳. نظام دوست، اکرم (۱۳۹۰). ادبیات کودک در ادبیات معاصر عربی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۴. الهیته، هادی نعمان (۱۹۷۷). أدب الأطفال فلسفته، فنونه و وسائله، چاپ اول، قاهره، الهیته المصریه العامه للكتاب.
۱۵. یوسف، عبد التواب (۱۹۷۰). حلقه العنايه بالثقافه القومیه للطفل، قاهره، الهیته المصریه العامه للكتاب.

## پایگاه اینترنتی

۱۶. الصفدی، بیان، مقاله: شعر الأطفال العربی، من صَوَّرَ الأم... فی شعر الأطفال العربی؛ WWW. Thawra. Alwehda. Gov. sy